

دوره نهم

رمضان - شماره یازدهم



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
روابط عمومی

توشه رمضان المبارک

((درس نامه قرآنی)) - بخش هشتم

نبایسته های رفتاری با همکیشان

درس بیست و پنجم : موارد جواز غیبت

و بطور کلی در تمام مواردی که مصلحت افشای عیب پنهانی شخص از نظر شرع بیش از مفسده آن باشد.

دلیل استثنای این موضوعات روشن است، زیرا متکی به يك دليل عقلي روشن و آن «قاعده اهم و مهم» می باشد،

بعلاوه در آیات و روایات نیز اشاراتی به برخی از موارد این مسأله شده است (مانند مورد دادخواهی و رفع ظلم و دفع بدعت).

ولی نکته ای که - از نظر علم اخلاق - ذکر آن در اینجا لازم می باشد این است که باید مراقب بود، انحرافات و لغزشها غالباً در استثنایها و از طریق سوء استفاده یا اشتباه و غفلت در تعیین حد و حدود آن بوجود می آید.

زیرا همه افراد حاضر به شکستن قوانین و ارتکاب گناه بطور صریح و آشکار نیستند، بلکه بسیاری از آنها مقاصد خود را با تظاهر به استفاده از تبصره ها و استثنایها انجام می دهند، حتی در بسیاری از موارد، انسان وجدان خود را از این طریق فریب می دهد و برای فرار از مجازات وجدان و عدم لطمه به شخصیت درونی و ذاتی خویش، خود را در پناه این تبصره ها و استثنایها قرار می دهد.

لذا باید به دقت، مصلحت موجود در غیبت را در این موارد با در نظر گرفتن تمام خصوصیات و جوانب امر و دور از هرگونه حب و بغض و اغراض دیگر، ارزیابی نمود و برتری آن را بر مفسده غیبت آشکارا دریافت و به بهانه وجود مجوز، خود را به غیبتهای خطرناک آلوده نساخت.

آنچه از ادله مسأله و مدارك مختلف برمی آید این است که غیبت در دو مورد جایز است:

الف- در مواردی که مصلحت مهمتری در میان باشد که در آنجا غیبت - با حفظ موضوع - جایز می گردد و مصداق آن متعدد است:

۱- در مورد مشورت، مثل اینکه کسی می خواهد با دیگری معامله یا شرکت یا ازدواج کند و از ما تحقیق می کند،

در اینجا تردیدی نیست که می توان عیوب پنهانی آن شخص را تا آنجا که در کار مورد نظر دخالت دارد بر ملا ساخت و شخص مشورت کننده را از خطرهای احتمالی رهایی بخشید.

۲- در مورد نهی از منکر.

۳- در مورد دفع بدعت شخص بدعتگزار.

۴- در مورد آگاه ساختن مسلمانی از خطر و ضرری که در کمین اوست (ولو بدون مشورت طرف).

۵- دادخواهی و رفع ظلم و گرفتن حق.

الف- آیا استثنای متجاهر از قبیل خروج موضوعی است (یعنی کسی که تظاهر به عمل خلافی می‌کند طبیعتاً از بیان آن در دنبال سر او ناراحت نمی‌گردد، بعلاوه آن موضوع يك امر مخفی و پنهانی نیست که مشمول عنوان غیبت شود) یا اینکه غیبت متجاهر از انواع غیبت است و به اصطلاح بعنوان «تخصیص» خارج شده است.

ب- آیا جواز غیبت متجاهر، مخصوص گناهی است که آشکار انجام می‌دهد یا در تمام موارد جایز است؟

ج- اگر کسی در محلی متجاهر باشد و در مکان دیگری غیر متجاهر و مستور، آیا غیبت او در محل دوم نیز جایز است یا نه؟

د- آیا در جواز غیبت متجاهر، وجود شرایط امر به معروف و نهی از منکر لازم است؟

پاسخ تمام این سؤالات وابسته به فهم نکته اصلی و دلیل استثنای این موضوع از تحریم غیبت است.

آنچه از احادیث فوق برمی‌آید این است که فرد متجاهر اصولاً احترام ندارد (همان احترامی که وجود آن مانع از جواز غیبت است).

به عبارت دیگر این گونه افراد (و افراد ستمگر و بدعت‌گزار) از نظر «شخصیت اجتماعی» محترم نیستند و هتك حیثیت آنها ممنوع نمی‌باشد و به همین دلیل ترك غیبت و حفظ آبروی آنها لازم نیست.

اگر ما از احادیث فوق چنین استفاده کنیم- همانطور

ب- مواردی که بدون وجود مصلحت خاصی غیبت جایز می‌گردد و مورد آن منحصرأ افراد متجاهر به فسق می‌باشند زیرا مسأله دادخواهی را اگرچه بعضی در این قسمت شمرده‌اند، ولی همانطور که اشاره شد این مورد از موارد وجود مصلحت اهم شرعی یعنی گرفتن حق و جلوگیری از ظلم ظالم و حمایت از حق مظلوم می‌باشد.

دلیل استثنای این موضوع علاوه بر دلیل عقل احادیث متعددی است که از طرق شیعه و اهل سنت نقل شده است مانند: امام باقر علیه السلام فرمودند: «سه نفرند که احترام ندارند: کسی که دارای هوسهای بدعت آمیز است، و زمامدار ستمگر، و کسی که آشکارا معصیت می‌کند».

در حدیث دیگری از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده: «شخص فاسق غیبت ندارد.» و نیز در حدیث دیگری از آن حضرت صلی الله علیه و آله نقل شده: «کسی که پرده حیا را کنار بگذارد غیبت ندارد.»

البته یکی از مصالح جواز غیبت فرد متجاهر به فسق این است که این کار سبب شناختن او و پرهیز دیگران از معاشرت با او خواهد بود.

۴- روایات متعددی که در باب عدالت در «وسائل الشیعه» نقل شده است، از جمله، از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «کسی که در معامله با مردم ستم نکند و در سخن با آنان دروغ نگوید و در وعده تخلف نکند، جزو کسانی است که غیبتش حرام، شخصیتش کامل، عدالت او آشکار و برادری با وی واجب است.»

متجاهر به فسق کیست و چرا غیبت او جایز است؟ در اینجا چند موضوع باقی می‌ماند که باید روشن شود:

های دینی مطرح شده است قرآن در باره پیامد اذیت همکیشان فرموده است: «کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی آنکه گناهی کرده باشند، می آزارند، تهمت و گناه آشکاری را به دوش می کشند».

پیامبر خدا ﷺ نیز در ارزش آزار نرساندن به دیگران فرمود: به مردم آزار نرسان، که بی آزاری صدقه ای است که برای خودت می پردازی.»

و در سخنی دیگر فرمود: «جبرئیل به من گفت: «شرافت مؤمن، نماز شب اوست و عزت او آزار نرساندن به مردم است» و همچنین فرمود: «هر که مؤمنی را بیازارد مرا آزار داده است.»

و درباره پیامد اذیت و ناراحت کردن برادر ایمانی و همکیش فرمود: «هر که مؤمنی را اندوهناک سازد و سپس دنیا را به او بدهد، گناهِش بخشوده نمی شود و در برابر آن پاداشی نمی بیند».

همچنین فرمود: «هر که در دیدار برادر دینی اش، کاری کند تا او ناراحت شود، خداوند هم در روز دیدارش او را ناراحت می کند.»

امام زین العابدین علیه السلام نیز فرمودند: «آزار نرساندن، نشانه کمال خرد است و مایه آسایش تن در دنیا و آخرت است.»

امام صادق علیه السلام نیز در پیامد آزار نمودن برادر دینی فرمودند: «خداوند عز و جل فرموده است هر که بنده مؤمن مرا بیازارد، به من اعلان جنگ می دهد.» و در سخنی دیگر نیز فرمودند: «هر که دست از آزار مردم

که تعبیر «لا غیبة له ولا حُرمة له» و امثال آن گواهی می دهد- پاسخ سؤالات فوق روشن می گردد و نیازی به توضیح زیاد پیدا نمی کند، زیرا اصولاً ادله عقلی و نقلی حرام بودن غیبت شامل چنین کسی نخواهد بود.

ولی باید توجه داشت که ظاهراً منظور از متجاهر، هر کسی است که بکلی پرده حیا را دریده و در برابر گناهان جسور و بی باک است، می باشد و شامل تمام افرادی که به علتی دست به یک گناه علنی می زنند نمی شود، بنابراین در مورد این اشخاص تنها در موردی که متجاهرند می توان غیبت کرد.

درس بیست و ششم: نفرین نکردن و ترک اذیت

الف: نفرین نکردن

امام صادق علیه السلام سه دعاست که از درگاه خداوند متعال رد نمی شود: ... و نفرین مسکین در حق کسی که می توانسته به وی کمک کند و نکرده، در حالی که وی به آن محتاج بوده است.

و در سخنی دیگر فرمود: «هر گاه مردی ستم بیند و به نفرین ستمگر خود پردازد، خداوند عز و جل فرماید: کس دیگری هم هست که می گوید تو به او ستم کرده ای و تو را نفرین می کند؛ اگر می خواهی نفرین هر دوی شما را مستجاب کنم، و اگر می خواهی به تأخیر اندازم، تا مشمول عفو شوی.»

ب: ترک اذیت

پرهیز از اذیت و آزار همکیشان و برادران و خواهران ایمانی از سفارش های مورد تاکید است که در آموزه

بردارد، يك دست از آنها نگه داشته و مردم دستهای بسیار از [آزار] او نگه می دارند.»

و نیز فرمود: «در روز قیامت، ندا کننده ای ندا دردهد: کجایند آزار دهندگان دوستان من؟ پس گروهی برخیزند که صورتشان گوشت ندارد و گفته می شود: اینان کسانی هستند که مؤمنان را آزار دادند و با آنان دشمنی و مخالفت کردند و در دینشان برایشان سخت گرفتند؛ سپس به درافکندنشان در جهنم فرمان داده می شود.»

پایان درسنامه قرآنی رمضان ۱۴۰۳-۱۴۰۲

به قلم: حجت الاسلام والمسلمین عیسی عیسی زاده

مدیر گروه فرهنگ نامه های قرآنی و عضو هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

فِيهِ تَلَوُّ الْقُرْآنِ رَضِيَانًا لِللَّهِ مَكْرَمًا

ما احتیاج داریم به این که از این ساعات، از این روزها و شبهای پربرکت (ماه رمضان) حداکثر بهره را ببریم؛ با تقویت رابطه‌ی قلبی خودمان با عالم معنا، با عالم غیب، با ابتهال و تضرع و خشوع در مقابل رب الارباب، و با استحکام پیوند ولایت خودمان با اهل بیت (علیهم السّلام) و این خاندان مکرم.

